

سر دفتر به نام پاک

نزدان



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی
پایان نامه درجه کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات عربی

عنوان:
**بررسی سبک شناختی خطاب ندا در
آیات مدنی**

استاد راهنما:
دکتر سید حسین سیدی

استاد مشاور:
دکتر مرضیه آباد

نگارنده:

هادی یزدی ثانی

زمستان 1391

پیشکش

به آستان پدرم؛ آن نوشین روان غنوده در آغوش
خاک که نوای جان نواز نبی اش ترانه ساز زندگی
بود

و به مریم ، بانوی حیاتم که رگ بارها و برف را؛
توفان و آفتاب آتش بیز را در آن روزهای سخت و
سرد به تحمل و صبر شکستی.... پیروزی عشق
نصیب تو باد!

سپاس

از تو که در همه روی و همه سوی در من بودی و با من ؛ نه بر من و بی من ...
خاکسارانه آستانت را نماز می‌برم

و سپاس بی دریغ از آموزگارانی که ارمغان خوانش و نگارش و پژوهش را نورهانم
ساختند به ویژه

فرهمنده روشن اندیش و نُبی پژوه دکتر سیدی که آغاز و فرجام این نوشته مگر به رای
و راه او نیست ، هر چند شاگردی‌ام در پیشگاه او دیرتر و دورتر از این نوشته است
و سپاس ببدور از هر دروغ از بانوی نیک نهاد، سرکار خانم دکتر آباد که بخت رایزنی
و رای گیری در این نوشته را در محضر دانش پرورش یافتم و او مهرخویانه کژتابی هایم را
برتافت.

و سپاس بی کران از استاد فره مند و مهرآیین، دکتر ناظری که بی گمان وامدار مهر
بی رنگ و نیرنگ اویم.

امید آن که نهاد و آن که نگاشت به گیتی تن خسرو و به مینو بُخته روان باد!

بسمه تعالی



مشخصات پایان نامه تحصیلی دانشجویان
دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان پایان نامه: بررسی سبک شناختی خطاب ندا در آیات مدنی

نام نویسنده: هادی بزدی ثانی

نام استاد(ان) راهنما: دکتر سید حسین سیدی

نام استاد(ان) مشاور: دکتر مرضیه آباد

رشته تحصیلی: زبان و ادبیات عربی

گروه: ادبیات عربی

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

تاریخ دفاع:

تاریخ تصویب:

تعداد صفحات: 153

دکتری ○

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد ●

قرآن متنی زبانی است که می‌شاید از دیدگاه زبانی بررسی شود. متن نیز خود نیازمند پژوهشی سبک شناختی است تا خواست آفریننده‌اش را روشن سازد. لیک قرآن از ساز و کارهای سبک شناختی که در متون ادبی به کار می‌رود، پیروی نمی‌کند؛ چرا که متنی ادبی نیست، هر چند از دایره برخی معیارها و سنج‌های سبک شناختی بیرون نمی‌رود مانند انگیزه‌های فرهنگی، زبانی و روانی مخاطب و ... پژوهش‌های سبک شناختی از همان آغاز در بررسی‌های زبان پژوهان تازی درباره اعجاز قرآن رخ نمود و در نظریه نظم جرجانی که به یکپارچگی و پیوستار متن اشاره دارد و بسیار به دیدگاه ساخت‌گرایی نزدیک می‌نماید، برجسته گردید. سه‌گانه «پیام رسان - پیام - پیام گیر» بر کارکرد ارتباطی متن قرآن تأکید می‌کند و ندا و کارکرد ارتباطی آن در این میان ویژگی خاصی می‌یابد. ندا به تنهایی معنایی ندارد، بلکه مفهوم آن در بافت سخن و با توجه به شرایط زمانی و مکانی که در آیات مکی و مدنی نمودار می‌شود، روشن می‌گردد. شناخت آیات مکی و مدنی معیاری دقیق ندارد مگر متن و جداسازی دو روند رسالت و انذار در فرایند نبوت. با این حال، از نمایه‌های آیات مکی و مدنی که بر پایه احادیث سامان گرفته است، فراموش نباید کرد. پویایی ندا در متن معانی ویژه‌ای را به آن می‌بخشد که فرا روی مخاطب افقی معرفتی را می‌گشاید، همچنان که مفاهیم استلزامی آن نیز این گونه‌اند. بررسی ندا در قرآن به نتایج بایسته‌ای در نخواهد رسید مگر با تکیه بر متن و پایبندی به آن. از این روی چیزی را بر متن نمی‌توان چیره ساخت و بر آن برتر نشاند، به وارونه برخی دیدگاه‌های تفسیری که در رویارویی با متن و روایات - هر چند صحیح و متواتر - متن را وامی‌نهند تا باستار و بیستار دیدگاهی مذهبی استوار و تأیید شود.

کلید واژه:

امضای استاد راهنما:

1. سبک

2. متن

3. ندا

4. آیات مدنی

5.

تاریخ:



استمارة ملخصه للرسالة باللغة العربية

مديريت الدراسات العليا

الإسم: هادي
الاستاذ المشاود: الدكتور مرضية آباد
فرع: اللغة العربية و آدابها

لقب الطالب: بزدي الثاني
الاستاذ: الدكتور حسين بيدي
كلية الآداب و العلوم الإنسانية، قسم: كلية الادب العربي

مقطع: ماجستير

عددالصفحات: 153

تاريخ المناقشه:

عنوان الرسالة: درامة اسلوبية لخطاب النداء في الآيات المدنية

ملخص "على الأكثر عشر مطور مطبوعه"

إنّ القرآن هو نصّ لغوي ينبغى أن يدرس من منظور اللغة و أنّ النص بنفسه يحتاج إلى درامة اسلوبية تُكسّف عن قصد مبدعه. ولكنّ القرآن لا يخضع للآليات الأسلوبية التي تستعمل في المتون الادبية : لأنّه ليس بنصّ ادبي و إنّ لا يخرج عن دائرة بعض المعايير الأسلوبية لفرسّم النص مثل حوافز المخاطب الثقافية و اللسانية و النفسية و إنّ الدراسات الأسلوبية ظهّرت مبكّرة عند علماء اللغة العربية في بحوثهم حول إعجاز القرآن و تبرزت عند عبدالقاهر الجرجاني في نظريته اللسانية المسماة بنظرية النظم التي تشير الى نسج النص و إنساجه المتكامل حيث تقرب بالأسلوبية البنيوية جداً. إنّ ثلاثيّة « المريل - الرسالة - المريل إليه » تؤكد على الوظيفة الإيصالية للنص القرآني و أنّ النداء و وظيفتها الإيصالية، لها شأن خاص في هذا المضمار. لا معنى للنداء منفرداً بل يظهر مضمومها في السياق و بالنظر الى ظروف زمنية و مكانية تتجسد في الآيات المكية و المدنية التي لا معيار لمعرفتها الدقيقة إلا النص و التمييز بين عملية الإنداز و الرسالة النبوية. و لكن لا ننسى بعض الفهارس للآيات المكية و المدنية المبتنية على الأحاديث. إنّ ديناميكية النداء في النص تعطى لها معان خاصة تفتح أمام المخاطب أفقاً معرفياً كما كان كذلك في مفاهيمها الإستلزامية. إنّ درامة النداء في القرآن لن توصل إلى نتائج هامة إلا بعد النظر إلى النص و التزام بها ، و انطلاقاً من هذا العرض يبدو لنا أنّ لا نرجح شيئاً على النص بخلاف بعض النظرات التفسيرية التي ترجّح الروايات - و لو صحيحة متواترة - على النص القرآني حتى تدقّم رؤية مذهبية كذا و كذا

المفردات الرئيسة: الاللوب ، النص ، النداء ، الآيات المدنية

توقيع الاستاذ المشرف :

فهرست

بخش نخست: کلیات

6	درآمد
7	مکتب ادبی تفسیری قرآن
10	ریختار امین الخولی در پژوهش ادبی قرآن
12	آسبب شناسی و بررسی تفسیری ادبی قرآن
16	سبک شناسی و گستره آن در پژوهش‌های قرآنی
21	سبک و سبک شناسی
23	سبک شناسی توصیفی
24	سبک شناسی تکوینی (فرد)
25	سبک شناسی ساخت‌گرایی
26	متن
28	پژوهش‌های سبک شناسانه قرآنی
34	تاریخ گذاری قرآن به مکی و مدنی
35	سودمندی شناخت مکی و مدنی چیست؟
36	شبهه‌ها و خرده‌ها
38	ندا و کارکرد زبانی
38	ندا در اندیشه زبان شناختی تازی
38	واژه شناسی ندا
39	اصطلاح شناسی ندا
40	ابزار زبانی ندا (حروف ندا)
40	جایگاه کاربرد زبانی ابزار ندا
41	انواع منادا
41	منادای ناقص (ساخت ناقص ندا)
42	حکم منادا

43	ندا در قرآن
46	آماري كلي از کاربرد گونه های ندا در قرآن
49	کارکرد بلاغی ندا

بخش دوم: درنگی بر برخی ندهای مدنی در قرآن

51	منادای علم
53	منادای علم در قرآن
54	الله
54	1. ریشه طیبی واژه الله:
55	2. اسم طی صفت بودن الله
59	آیات مدنی با ساخت ندایی « اللهم »
64	آدم
64	منادای «طی آدم»
67	موسری
67	ندای «طی موسری»
73	عصری
73	ندای «طی عصری»
79	منادای مضاف
81	منادای مضاف
81	ندای طی و طیبی
84	بررسی زبانی طی و طیبی
85	اهل بیعت
88	منادای اهل البیت
92	اهل کتاب
93	ندای «طی اهل کتاب»

103	بری اسراعیلی
106	ندای «طی بری اسراعیلی»
113	ندای «طی اولی الالباب»
119	ربّ
123	منادای «ربّ» در قرآن
124	منادای نکره مقصوده (یا ایها الذین آمنوا).
132	فرجام سخن
135	گزارش آماری از برخی ندهای مدنی و پرسمان‌های در پیوند با آن
139	کتابنامه

آغاز سخن

قرآن چون بر دل رسول ﷺ فرود آمد، مخلوق نبود و لکن چون رسول ﷺ به فرمان خدای مر آن را به زبان تازی بگفت، مخلوق گشت از بهر آنکه رسول ﷺ مخلوق بود و مخلوق جز بر مخلوق قادر نشود. (ناصرخسرو، وجه دین 58)

بی هیچ گمان قرآن یگانه نامه‌ای آسمانی است که از گزند تحریف به دور مانده است. از همان آغاز فرود، پیامبر روشن‌اندیش اسلام و پیروان پاک‌دلش بر آن بودند تا آیه آیه آن را چونان گوهری گران بنگارند تا مرده ریگی باشد مردمان روزگاران را؛ بو که آن را بخوانند و در آن بیندیشند. در اینجا سر آن نیست که از روند گردآوری قرآن و گفتگوها و کشمکش‌هایی که در این باره رخ نمایانده است، سخن رود؛ هر چند پرسمانی است بس ارجمند و لیک پر گزند که بایای پژوهشی راستین است؛ گو دیدگاه‌های مذهبی برنتابند!

به هر روی و رای آنچه اکنون بایاست آن است که خویش را رویاروی کتابی به نام قرآن می‌یابیم که شاید در بام یا شام آن را بگشاییم و اندکی از آن را برخوانیم. راست آن است که قرآن متنی است بی گسست و سستی، که در زبان تازی نمود یافته است و گمانی نیست که برای دریافت آن باید زبان تازی را - و به گونه ای فراگیر زبان را - شناخت و از رازهای مازانگیز آن پرده برداشت تا بتوان به معنا رسید و جان سخنی سنگین را که بر دل بی‌پیرایه رسول ﷺ فرود آمده است، دریافت.

بررسی‌های قرآنی در آغاز با نگاهی ادبی آغاز گرفت. قرآن از همان آغازین زمان فرودش شگفتی تازیان رساگوی شیواسخن را برانگیخت و ایشان را پریش‌اندیش و سرگردان نمود؛ چه نه از واژه‌ای ناآشنا پدید آمده بود و نه ریخت جملاتش از گونه ای دیگر می نمود؛ همان زبان تازی بود با ویژگی‌های زبانی و دستوری اش. از این روی می بینیم که بزرگی چون ولید بن مغیره، چونان زبان سالار تازی، با شنیدن آیات قرآن دل نازک میکند و در پاسخ به پرسش شرک پیشگان مکه درباره قرآن می‌گوید: «سوگند به الله! هیچ یک از شمایان در شناخت شعر و آگاهی به چامه سرایی از من برتر نیست. آنچه محمد می گوید، به هیچ یک از اینان نمی ماند. آنچه او می‌گوید شیرینی ای دارد و زیبایی. [به سان درختی] بلندایش بر می دهد و بیخش ریشه می دواند. بر همه چیز فراز گردد و چیزی بر آن فراز نجوید. آن هر آنچه را که در زیر گیرد، فرو بشکند» (ابن کثیر، 499/1:1396).

سخن ولید افزون بر پریش‌اندیشی تازیان در برابر زبان قرآن، نشان از رویکرد زبانی به قرآن دارد؛ چه به شیرینی گفتار و زیبایی سخن اشارت می‌برد که خود از پرسمان‌های بایسته در دانش بلاغت و در نگاهی فراگیر در دانش زبان‌شناسی و معناشناسی است.

بر گزاف نیست اگر بگوییم نخستین رویکردهای بررسی ادبی قرآن در شناخت واژگان آن پدید آمده است. بازگفته‌های ابن عباس در مسائل ابن ازرق از این گونه است. لیک در این میان چالش‌های سیاسی نقشی مهم در شکل‌گیری این گونه بررسی‌ها داشته است و زبان مجاز وار قرآن که برداشت‌های گونه‌گون را برمی‌تافت و هر دسته فکری و سیاسی، خواست خود را در آن می‌یافت، بر دامنه این بررسی‌ها می‌افزود. توجه به پرسمان مجاز در قرآن مایه پدیداری دیدگاه‌های گونه‌گون کلامی و زبانی گشت؛ آن‌سان که هر یک از اشعریان و اعتزالیان موضعی بر می‌گرفتند. آنچه امروز دیگر بار خود را باز می‌نماید چالشی دوباره بر سر همان پرسمان دیرین است که در پوشش مکاتب و دبستان‌های ادبی و فلسفی رخ می‌نماید و قرآن را به زیر تیغ بی‌دریغ نقد ادبی - اگر چنین سخنی روا باشد - فرو می‌کشد، لیک قرآن چونان ابرمتنی بالا می‌افزاید و خود شالوده‌شکنانه، شالوده‌ای دیگر می‌نهد و از گونه‌ای دیگر می‌نماید.

پرسش پژوهش: اکنون پرسش بنیادین این است: بهره قرآن در میان آثار ادبی چیست؟ آیا قرآن اثری ادبی است؟ آیا رواست هنجارهای نقد ادبی را در آن به کار بست؟ در این میان، فرایند زبانی ندا چه جایگاهی سبک شناختی در متن قرآن می‌یابد؟

انگاره و فرضیه پژوهش: قرآن متنی زبانی است و برای دریافت آن، گریزی از شناخت زبان و ویژگی‌های آن نیست. از سوی دیگر در فرایند پیوندی و ارتباطی زبان که در خطاب ندا خود را آشکارا باز می‌نماید، شناخت مخاطب و ذهنیت زبانی و فرهنگی او بایسته بررسی است که خود پرسمان رازانگیز پیوند میان زبان و ذهن را به میان می‌افکند. از این روی زبانی که در روزگار فرود مدنی قرآن شنوده می‌گردد، جز آن است که در دوران مکی به گوش می‌رسد و در این میان نداها می‌کوشند تا فضایی سرشار از گفتگو را بیافرینند تا جامعه نو بنیاد اسلامی بر ایمان خود استوار ماند و دیگر بار روزگار بیم و هراس کفر و کفری مکه بازنگردد.

پیشینه پژوهش: دیری نیست که مطالعات میان رشته‌های در قرآن آغاز گرفته است. شماری از این پژوهشها را میتوان در دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌های قرآن کریم دید. (برای این دو

فصلنامه نک: www.isqa.ir.) در این میان بررسیهای زبانشناختی و به ویژه سبک شناختی جایگاهی ویژه خواهد داشت. لیک تاکنون پژوهشهای دامنه داری در اینباره به زبان فارسی پیش داشته نشده است و بهره پژوهندگان معاصر عرب بیشتر است. شاید ناآشنایی پژوهندگان فارسی زبان به مباحث این دانشها، بیم از سنجش میان دستاوردهای این دانشها با قرآن و هراس گاهها و تنگناهای دیگر مایه آن گردیده است که به این مقوله، کمتر روی آورده شود.

در میان پایان نامه های دانشجویی نیز عناوینی را می توان یافت که با نگاهی سبک شناختی به بررسی زبان قرآن پرداخته اند؛ نمونه راست پایان نامه رده دکتری که به خامه دکتر کاظمی تبار نگاشته شده و در دانشگاه فردوسی دفاع گردیده است. به هر روی شمار این گونه پژوهشها اندک است و جای آن دارد که پهنه آن گسترده تر و زمخه اش فزون تر گردد.

آنچه در نوشته کنونی _ به گمان _ برجسته می نمایم بررسی آیات مدنی بر پایه زمان فرودشان است که خود در ارایه مفهوم آیات و به ویژه ساختار ندایی آن کارآمد است. بی گمان بررسی آیات قرآن بر پایه زمان فرودشان معانی هماهنگ تر و تاریخمندتری را پیش می نهد که در درک اندرونه ها و مضامین آیات و ترسیم هندسه معرفتی مخاطب سودمند است و از دیدگاه های احتمالی در تفسیر که شماری بسیار از آن را در تفاسیر می توان یافت، می گاهد؛ همچون رویکرد سید عبدالقادر ملاحویش آل غازی العانی در *بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول*. در روزگار ما نیز محمد عزه دروزه، اندیشمند فلسطینی در *التفسیر الحدیث، مهدی بازرگان در پا به پای وحی و عبدالکریم بهجت پور در تفسیر همگام با وحی با چنین رویکردی به بررسی قرآن پرداخته اند.* در این میان نمی توان از نام روشن اندیش مراکشی دکتر محمد عابد الجابری دیده بر هم فرو بست با کتاب ارجمندش به نام *فهم القرآن الحکیم؛ التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول*. با این همه کسانی نیز هستند که به هیچ روی چنین رویکردی را پسندیده و راست نمی شمارند (نک: فرشچیان، 1388: پژوهش دینی، شماره نوزدهم/90-102).

روش پژوهش: این پژوهش از گونه بنیادی است و بر پایه روش کتابخانهای سامان میگیرد. از آن روی که این پژوهش بر آن است تا به بررسی سبک شناختی خطاب ندا در آیات مدنی بپردازد، بی گمان با سه رویکرد پژوهشی و مراجعه به سه دسته منابع و آبخشورهای در پیوند (منابع ادبی و نقد، منابع علوم قرآنی و منابع تفسیری) رویاروی خواهد بود. نوشتار کنونی بر دو بخش تقسیم میشود؛ در آغازین بخش که به کلیات میپردازد، پس از بررسی اینکه آیا قرآن اثری ادبی است یا خیر، به بررسی مفاهیم

سبک و سبک شناسی پرداخته است. در این گشت و گذار به این نکته در سرچیه است که بازنمودی روشن از سبک نمی‌توان پیش فرستاد و تنها چیزی که همواره خود را در برابر دیدگان پژوهشگر می‌نمایاند، متن است با سبک ویژه خود.

پس از بررسی این مفاهیم، جایگاه بررسی‌های قرآنی در میان پژوهش‌های سبک‌شناختی پژوهیده شده و آشکارا بیان گردیده که قرآن‌پژوهان و ادب‌دانان مسلمان در ذیل اعجاز قرآن به سبک‌شناسی آن پرداخته‌اند و در این میان عبدالقاهر جرجانی با دیدگاه "نظم" خویش بررسی سبک‌شناسی قرآن را به دیدگاه ساخت‌گرا¹ نزدیک گردانده است.

سویه دوم پژوهش بر گرد بررسی تاریخ‌گذاری قرآن و سنجهای شناخت آیات مکی از مدنی می‌چرخد. در این باره با تکیه بر منابع علوم قرآنی شیعه و سنی به بررسی سه سنج در بازنشاسایی آیات مکی از مدنی (سنجه زمانی، مکانی و مخاطب) توجه گردیده و در فرجام هر سه سنج را چندان کارآمد به شمار نیاورده است. توجه به دو روند اندازی و تبیینی در فرایند نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز بررسی سبکی متن قرآن بهترین سنج در این باره باز شناخته می‌شود.

در ادامه به بررسی ساخت زبانی ندا و ویژگی‌های آن در زبان تازی اشاره شده است و در فرجام با بررسی کارکرد بلاغی ندا بخش نخست به پایان می‌رسد.

در بخش دوم که بدنه نوشتار را تندیسگی می‌بخشد، به بررسی ندهای مدنی پرداخته شده است. بر اساس آماری که فرادست آمد، سه گونه ندای مدنی شایان بررسی است: منادای علم (4مورد)؛ منادای مضاف (6مورد) و منادای نکره مقصوده (1مورد). آنچه در شیوه بررسی منادهای یادشده بایسته یادکرد است، چنین این ندها بر اساس زمان فرود است؛ چه چنین چینی در تبیین و بازنمود معنایی ندا و کارکرد زبانی آن کارساز خواهد بود. در همه این بررسی‌ها همچنان رویکرد سبک‌شناختی ساخت‌گرا یا به گونه‌ای همان نظریه نظم جرجانی پاس داشته شده و متن در برابر روایات آیینی که دیدگاهی مذهبی را استوار می‌دارد، رها نگردیده است.

بخش نخست

کلیات

- 1 تفسیر ادبی قرآن
- 2 سبک شناسی
- 3 تاریخ گذاری قرآن به مکی و مدنی
- 4 خدا و بررسی زبان شناختی

درآمد

قرآن چونان نامه آسمانی مسلمانان از همان آغ از فرود شگفتی تازیان را که به زبان آوری و گشاده زبانی نام بسته بودند، برانگیخت و ویژگی برجسته زبانی خود را به رخ آنان کشید و بایسته ترین سویه اعجازی خویش، اعجاز بیانی، را فرا روی ایشان نهاد و گاه و بی گاه آنان را به هم آوردی و تحدی فرا می خواند تا اگر می توانند - و هرگز نتوانستند - همانندی هر چند سوره ای به سان آن بازگویند (برای آیات تحدی نک: طور/3؛ هود/12-13؛ یونس/37-38).

تازیان خویشان را رویاروی با زبانی سخت و آسان یافتند که مایه سرگستگی و تنش ذهنی - عاطفی آنان گشت. داستان ولید بن مغیره، چونان استاد زبان تازی و چامه سرایی، و سرگستگی وی به هنگام شنیدن آیات قرآن نشان از این پریش اندیشی دارد. (در این باره نک: مدثر/ 11-26). تنها پاسخی که می توانست آرامشی روانی را برای تازیان به ارمغان آورد، این سخن بود که سخنان محمد ﷺ مگر چامگانی افسونگر نیست. بدین سان آشکارا می بینیم که سویه ادبی و زبانی قرآن آم جاسنجش و خورده گیری تازیان بوده است.

تلاش های آغازین در بازنم بود و تفسیر قرآن در گزارش های ادبی آن و در بررسی واژگانی پدیدار گشت، چنان که در بررسی های واژه پردازانه ابن عباس (م 68 ق.) در پاسخ به پرسش های ابن ازرق می توانیم دید. نافع بن ازرق معنای برخی واژگان قرآن را از وی می پرسد و او با گواه گوی از چامگان تازی و با پای فشاری بر این نکته که چاره دشوار ی های واژگانی قرآن را در چامگان تازی باید جست، به پاسخ می نشیند. (برای این پرسش و پاسخ نک: سیوطی 1387: 2/67 به بعد؛ نیز برای بازنمود بیشتر آن نک: بنت الشاطی 1376: 306 به بعد).

در سده های سپسین پژوهش ادبی قرآن فراگیرتر شد و ساختی پیوسته تر یافت به گونه ای که در بازنمود واژگانی، بافت زبانی قرآن را برم ی رسید. این گونه پژوهش ها با نام «معانی القرآن» درگسترده به گمان چنین پژوهش هایی اثریافته از بررسی های معانی الآثار، معانی الشعر یا ابیات المعانی پدید آمد، همچنان که گمانه های ناروا و شبهه های ملحدان و ناخدایان در پدیداری آن بی اثر نبوده است. (فراء 1955: 11/1-12). کهن ترین اثر شناخته شده در این باره از آن ابان بن تغلب (م 141 ق.)، قاری و نحوی نامدار کوفه، است. (نک: ابن ندیم/ 403: 1381)

نیز: صدر/320:1375). این در حالی است که از دید دانشمندان اهل سنت ابان در این پهنه چندان جایگاهی ندارد و برنده نخستین در این میدان ابو عبیده معمر بن مثنی است: «نخستین کس از واژه گزاران که در این باره [معانی القرآن] دست به نگارش زد، ابو عبیده معمر بن مثنی بود، آن گاه قطرب بن مستنیر، سپس اخفش و...» (پاکتچی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل تفسیر).

چنین رویکردی پژوهشی به قرآن پایه دبستانی را در قرآن گزاری پی نهاد که در آغ از با نام «مکتب تفسیر لغوی» نام گرفت و در روزگار نوین با نام «مکتب تفسیر ادبی». در دبستان نخستین، واژه گزاران تازی بر آن بودند تا واژگان قرآن و شیوه های بیانی آن را بر واژگان تازی و متن های ادبی آن پیش نهند و بر پایه این نگاه سنجشگر ویژگی های زبان تازی و معانی واژگان ق برآنی را باز نمایند. این پژوهشگران را «اهل المعانی» می خواندند. اینان می کوشیدند تا آن ذوق و خوی پیراسته زبان آغازین را پیش از آنکه به آلودگی و تباهی گراییده است، باز شناسند و در باز نمود و گزارش خود از قرآن به کار بندند، چنان که کسایی، زجاج و فراء این گونه بودند. (نک: عبدالغفور، 517:1428). از دید اهل المعانی گزارش قرآن باید از آبشخورهای آغازین آن برگرفته شود و از این روی تنها کسانی را یارای گزارش قرآن می توان بود که به فن زبان آشنا باشند. مجاهد می گفت: «آن کس را که باور به خدا و واپسین روز است، روا نباشد که درباره کتاب خدا سخن گوید در حالی که آگاه به واژگان تازی نیست». نیز مالک بن انس می گفت: «مردی نا آگاه به واژگان تازی که به قرآن گزاری پردازد، نزد من نیاید مگر آنکه او را به گوشمالی پندی اندرز آموز دهم». (برای این سخنان نک: همان).

مکتب ادبی تفسیر قرآن

در روزگار نوین، دبستانی در گزارش قرآن سر بر آورد که جان مایه خود را از «مکتب لغوی» می گرفت و بر آن بود تا معانی واژگان قرآن را آن سان دریابد که در روزگار فرود قرآن دریافت می شده است. باورمندان این دبستان در پی آن حس پاک زبانی بودند که تیرگی و آلودگی روزگاران پس از خود را نیافته باشد. بی گمان نام «مکتب ادبی تفسیر» و مدار پژوهش های اندیشمندان نقد پرداز باختر زمین است که کتاب مقدس و سپند خویش را در ذیل «Literal Interpretation» بررسی کرده اند. اثر یافته از همین رویکرد است که ریشه های آغازین این اندیشه را در جهان عرب در نگاهت های طه حسین باید

جست. از دید وی متون سپند جهودان و ترسایان و مسلمانان به همان اندازه با میراث ادبی بشری در پیوند است که آثار هومر و شکسپیر و گوته. از این روی بایای مسلمانان است که به بررسی قرآن چونان اثری هنری و ادبی بیاغازند و شیوه های پژوهش نوین ادبی را در آن به کار بندند، همان گونه که شماری از پژوهشگران جهود و ترسا با کتاب سپند خویش چنین کرده اند (E.Q2002:2/131). با این همه پایه گذار این دبستان را کسی دیگر باید دانست و او کسی نیست مگر امین الخولوی (1895-1966م)؛ هر چند از اندیشه طه حسین اثر پذیرفت.

امین الخولوی به گونه ای شاگرد محمد عبده به شمار می رفت، لیک هیچ گاه در درس او نتوانست هنباز گردد. محمد عبده با رویکرد اصلاحی خود در تفسیر قرآن که آن را «مکتب تفسیری ادبی- اجتماعی» می نامند (نک: ذهبی، 548/2:1396) تلاش های قرآن گزاران پیشین را تلاش هایی مقلدانه و سازکارانه می دانست و این خرده را از ایشان می گرفت که همچنان در بند بررسی های صرفی و نحوی و بلاغی فرومانده و سخنی تازه را در قرآن پژوهی در نیفکنده اند. او که خود وامدار اندیشه های استادش، سید جمال الدین اسدآبادی، بود نگاه سنتی در تفسیر را به کناری نهاد و به مسائل ظاهری و در رویه روی نیآورد. از دید وی قرآن کتاب «هدایت» است و باید به گونه ای گزارده شود که همگان آن را دریابند. از این روی است که به امور پوشیده و ابهام زای قرآن توجهی نکرد و یا به گونه ای تأویل و بازگردانی به اصل روی آورد، چنان که به پندار خود خواست از «جن» در قرآن را «میکروب» شناساند. (نک: معرفت، 465/2:1377؛ نیز قس: همو 190:1423).

اندیشه محمد عبده در رویکرد امین الخولوی رنگی دیگر یافت. او تفسیر قرآن را به نقدی ادبی دیگر ساخت، هر چند به هیچ روی واژه «نقد» را برای قرآن به کار نبست. ذوق هنری او به یمن نگارش نمایش نامه های تئاتر (خولوی 9:1961)؛ آشنایی با پژوهش های خاورشناسان ایتالیایی و آلمانی درباره اسلام و نیز خوانش آثار ادبی باخترزمین در درازنای اقامت چهار ساله اش در رم و برلین چونان سرکنسول مصر در امور مذهبی؛ اندیشه اصولی-فقهی او به برکت آموزش در مدرس ة القضاء الشرعی؛ و نیز برنامه ریزی در چاپ کتب دارالکتب المصریه، همه و همه رویکردی چند سویه را در وی آفرید که نوگرایایی و سنت اندیشی را در هم گرد می آورد، تا آنجا که یکی از شاگردانش، محمد شکری عیاد، م ی گوید: «آنچه ما را به هنگام دانش اندوزی در پیشگاه استاد سرگردان می ساخت، این پرسش بود که وی از کدامین دسته است؟ آیا او محافظه کار است یا

نوگرای؟ گناه وی در برابر ما چونان محافظه کاری رخ می نمود که در سنت اندیشی اش سخت پایبند است، و گاه دیگر چونان نوگرایی بود که در نوگرایی خود به گزاف رفته است! او به ما می آموخت که نخستین گام در راه نوگرایی میراندن فهم گذشته است (ان اول التجدید قتل القدیم فهمًا). از این سخن وی چنین می یافتیم که میراث و مرده ریگ کهن را پاس می دارد و نوگرایان را در شتاب ناآگاهانه در تبصره بندی گذشته متهم می سازد. می شنیدیم که از نیازهای زندگی امروزی و از پیوند میان زبان و زندگی سخن می گفت. پاسداشت او در برابر اندیشه بشری وی را به بزرگداشت آثار این اندیشه در گذر سده ها و امی داشت و بدین سان خویشکاری و مسئولیت اندیشه بشری را روشنگری راه برای همه نسل ها می دانست. ذهن اصولی-فقهی او هر گونه تقلید را پس می زد و ذوق ادبی اش فراخوانی بود برای رستاخیز و طغیان بر روزگار خویش. از دید وی برای آنکه بتوان قرآن را دریافت ، باید آن را چونان متنی ادبی باور داشت. وی خویشتن را از بندهای بلاغت کهن تازی با کاوش های کلامی و منطقی اش رها ساخته بود و آهنگ آن داشت تا هنر بیان را در کنار دیگر هنرهای دیداری و شنیداری بنهد. وی با برپایی دبستان ادبی کوشید تا کارکرد بلاغت را بازنماید. (همان: 8-9).

با وجود تنگ اندیشی هایی که بر مصر چیره بود، امین دیدگاه قرآن گزارانه خویش را بازگفت و خود را نخستین تفسیرگوی مصری نمایاند که خاخار پژوهش ادبی در تفسیر قرآن را دارد، هر چند گام هایش ناتمام ماند. به هر روی آنچه وی را یارایی می بخشید که در گزارش ادبی قرآن گام نهد، اجازه آشکاری بود که پیشینیان خود در بررسی دانش های اسلامی داده بودند؛ چه اینان حیات این دانش ها را به سه دوره بخش می کردند:

الف- دوره پختگی و سوختگی مانند دانش نحو و اصول.

ب- دوره پختگی و نه سوختگی مانند دانش فقه و حدیث.

ج- دوره نه پختگی و نه سوختگی مانند دانش بیان و تفسیر.

از این روی و رای است که امین می گوید: پختگی و به بار ننشستن دانش بی-ان و تفسیر- اجازه ای آشکار است که پیشینیان داده اند تا دیگر بار این دو دانش بررسی آیند و من در این بررسی گام پیش می نهم. (همان: 302).

خولی از یک سوی به بررسی روش شناسانه تفسیر پرداخت و از سوی دیگر پیوندی استوار با بررسی های روش شناختی بلاغت داشت. بی گمان بلاغت و قرآن در تاریخ و فرهنگ اسلامی پیوندی

دیرین دارند. بایسته ترین کتاب‌های بلاغی با بیان اعجاز قرآن ارجمند در پیوندند. اگر بلاغت بر آن باشد تا ویژگی‌های روش‌های برجسته زبانی را بررسی‌د و پایه‌های سخن‌آرایی را استوار دارد، گریزی از بررسی کتاب جاودان اسلام ندارد. همین پیوند استوار میان قرآن و بلاغت بود که امین را به بررسی و نقد شیوه‌های تفسیرگویان برگماشت؛ چه از دید وی این‌ان از آنچه خواست بنیادین است؛ یعنی باز نمود بلاغت قرآن، به کثرتی افتاده‌اند. او بر این نکته انگشت می‌نهد که قرآن مهین کتاب تازی است و در گزارش آن - به وارونه محمد عبده که خواست بنیادین از تفسیر را هدایت جویی می‌دانست - رویکردی ادبی را باید پیش گرفت: «رأیی شگفت نیست که بگوییم خواست بنیادین از تفسیر، هدایت جویی و رهنمایی نیست، بلکه قبل از آن، خواستی پیش‌تر و آرمانی دورتر هست که دیگر خواست‌های گوناگون از آن برمی‌آیند و آن ننگ‌ساز به قرآن چونان مهین کتاب تازی است با تأثیر گران ادبی اش. این کتاب زبان تازی را جاودان ساخت، هستی‌اش را پاس داشت و همراه آن جاوید ماند و مایه نازش و بالش آن گشت و زیب میراث زبان تازی شد... آن کس که زبان درست تازی (عروبت) را بداند - چه مسلم‌ان باشد و چه جز آن؛ چه بساورمند به قرآن باشد و چه بی‌باور - جایگاه این کتاب را در زبان تازی در خواهد یافت و وی را پایبند خواهد ساخت که آن را با نگاهی ادبی بررسی‌د...» (همان: 302-303). او آشکارا قرآن‌گزار را مگر پژوهش ادبی روشمند با نگاهی چندسویه نمی‌داند: «خواست نخستین از تفسیر امروزی، بررسی ادبی محض است، بی‌هیچ اثرپذیری از چیزی پس آن بر پایه چنین گزارشی خواست‌های دیگر برآورده می‌شود. این دیدگاه ما در تفسیر است.» (همان: 304).

ریختار امین الخولی در پژوهش ادبی قرآن

وی ریخت بنیادین خود در پژوهش ادبی قرآن را در جستار «التفسیر» در دائرة المعارف الاسلامیه بازمی‌نماید. او می‌گوید: اگر رای درست آن باشد که تفسیر ادبی کتاب زبان تازی، قرآن، بر همه کسانی که پیوند با این زبان دارند بایسته است؛ و اگر دیدگاه راستین این است که قرآن را به گونه‌ای موضوعی باید بررسی‌د و نه ترتیبی و پاره‌پاره، از این روی و رای شیوه تفسیر ادبی از دو گونه پژوهش هستی خواهد یافت که بی‌گمان در هر پژوهش متن ادبی چنین است. این دو عبارت است از:

1- پژوهش درباره قرآن

2- پژوهش در قرآن

خواست امین از پژوهش نخست دو پرسمان است:

الف- پژوهش ویژه و نزدیک به قرآن مانند تاریخ قرآن، ترتیب نزول آیات، قرائات و خوانش های قرآن و... دیگر پرسمانهایی که در دانش های قرآنی بررسی می شود.

ب- پژوهش فراگیر درباره قرآن که به بررسی محیطی مادی و معنوی می پردازد که قرآن در آن فرود آمده است. بررسی ویژگی های این محیط، شرایط جغرافیایی، نگاه به گذشته تازیان و تاریخ آنان، ساختارها و تشکیلات آنان، رسم ها و آیین ها، بلوره ها و پندارها، فرمانروایی ها، حکومت ها و... در یک سخن همه آنچه اندیشه و زندگی تازی را تندیسگی می بخشد.

خواست امین از « پژوهش در قرآن » کندوکاو در متن قرآن است. تفسیر پژوه موضوعی پس از گزینش موضوع و بررسی تمامی آیات درباره آن و چینش تاریخی آیات به بررسی واژگانی و لغوی می پردازد. از دید امین در این بررسی واژگانی باید به معنای آغازین واژه در زمان نزول برسیم؛ چه گمانی نیست که معنای واژه در گذر زمان و اثر یافته از هنجارهای روانی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... دیگرگونی های معنایی یافته است (همان: 312). از این روی باورمندان به اندیشه خولی ترادف در قرآن را نمی پذیرند و بر آنند که هر واژه در قرآن معنای ویژه خود را دارد و نمی توان واژه ای دیگر را به جای آن نشانند (بنت الشاطی، 1376: 221). دشواری پژوهش واژگانی بر پایه چنین نگرشی از دید تاریخی است؛ چه در نبود قاموسی تاریخی معنایی واژه بسیار دشوار است، هر چند امین در این باره واژه نامه راغب، المفردات فی غریب القرآن، را به شیوه پژوهشی خود نزدیک می بیند و آن را می ستاید. (خولی، 1961: 314). پس از بررسی واژگانی زینه ای دیگر در بررسی ادبی قرآن فرا می رسد که دشواری اش کمتر از بررسی پیشین نیست و آن بررسی واژگانی در بافت قرائتی و بررسی ترکیبات و آمیغ های زبانی قرآن است. گزارنده قرآن در این باره از دانش های ادبی مانند نحو و بلاغت بهره می برد، هر چند امین دیگر بار یاد می آورد که آموزه های سنتی نحو و بلاغت چندان چاره ساز نیست. از این روی به انقلابی اصلاحی و سامانگر در این دو دانش کم بر می بندد (شریف، 1429: 364). از دید وی پس از گذر از این زینه های دشوار است که به دریافتی ادبی و هنری از قرآن دست می یابیم.